# علم اصول الفقه

## ۱۶-۸-۱۴۰۵ القسم الثانی:الحجه

## على النظام

۱۸

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادوي الطهراني

# • مراحل کشف عناصر دینی

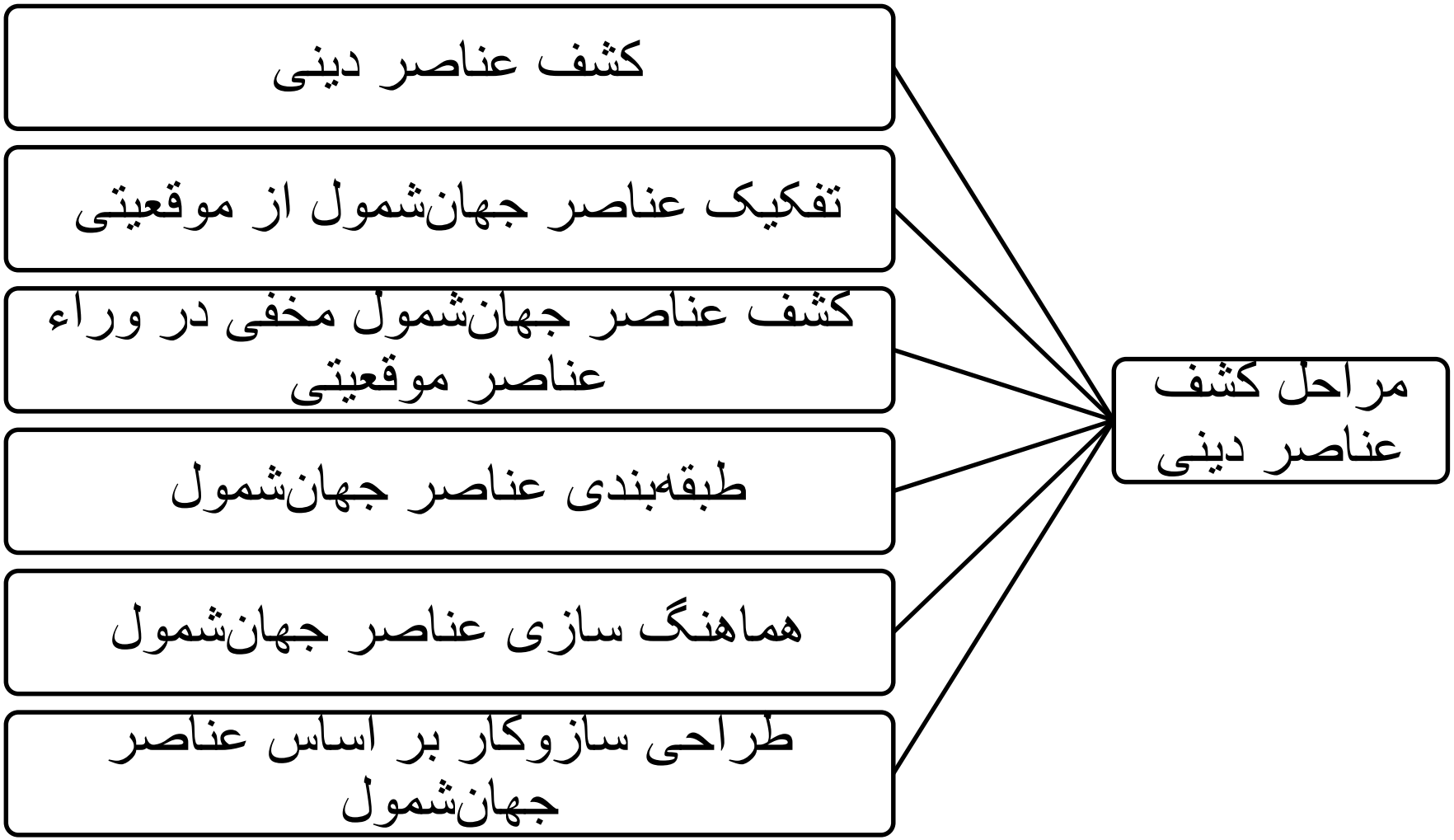

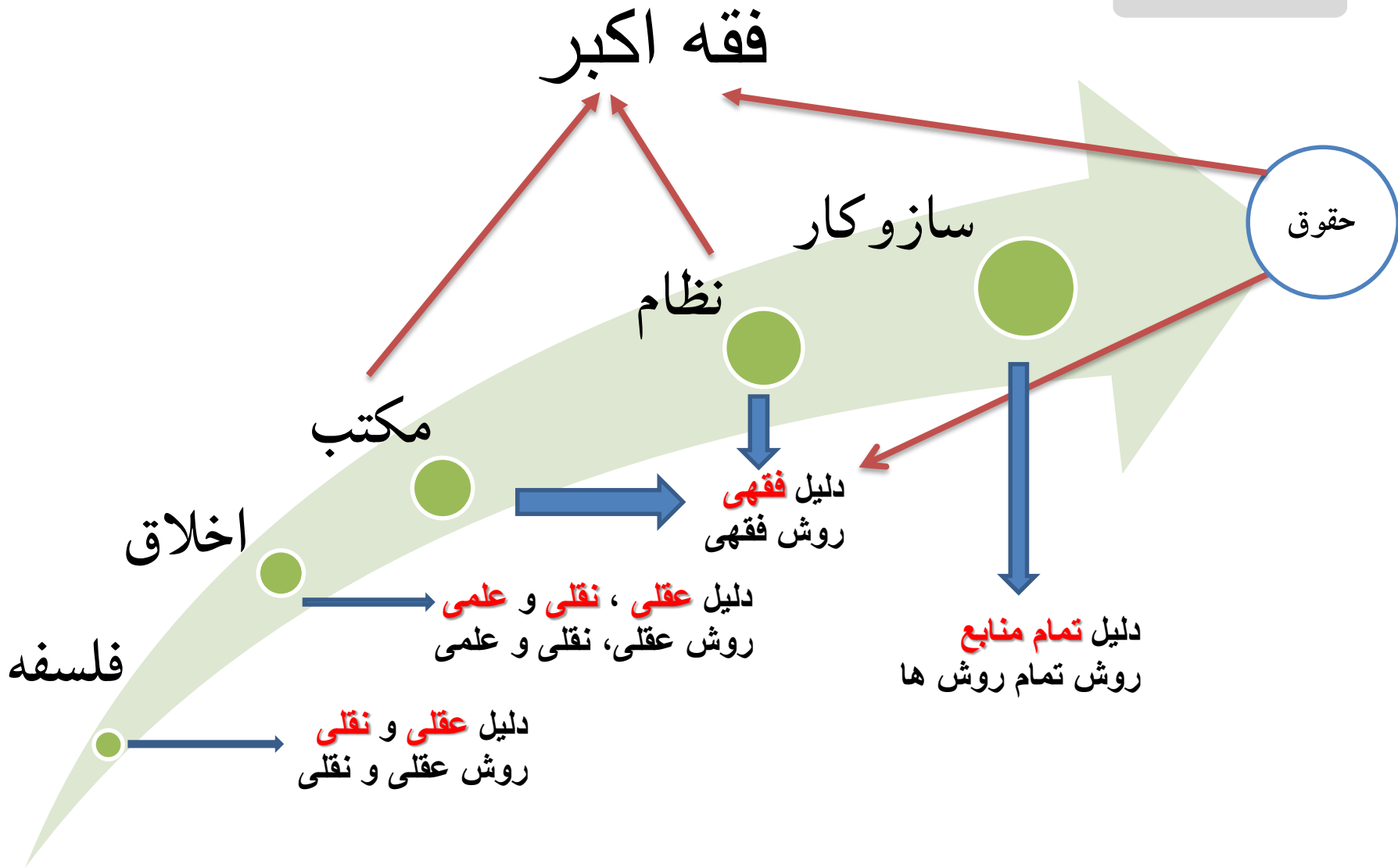


# نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

# نظریه اندیشه مدون در اسلام

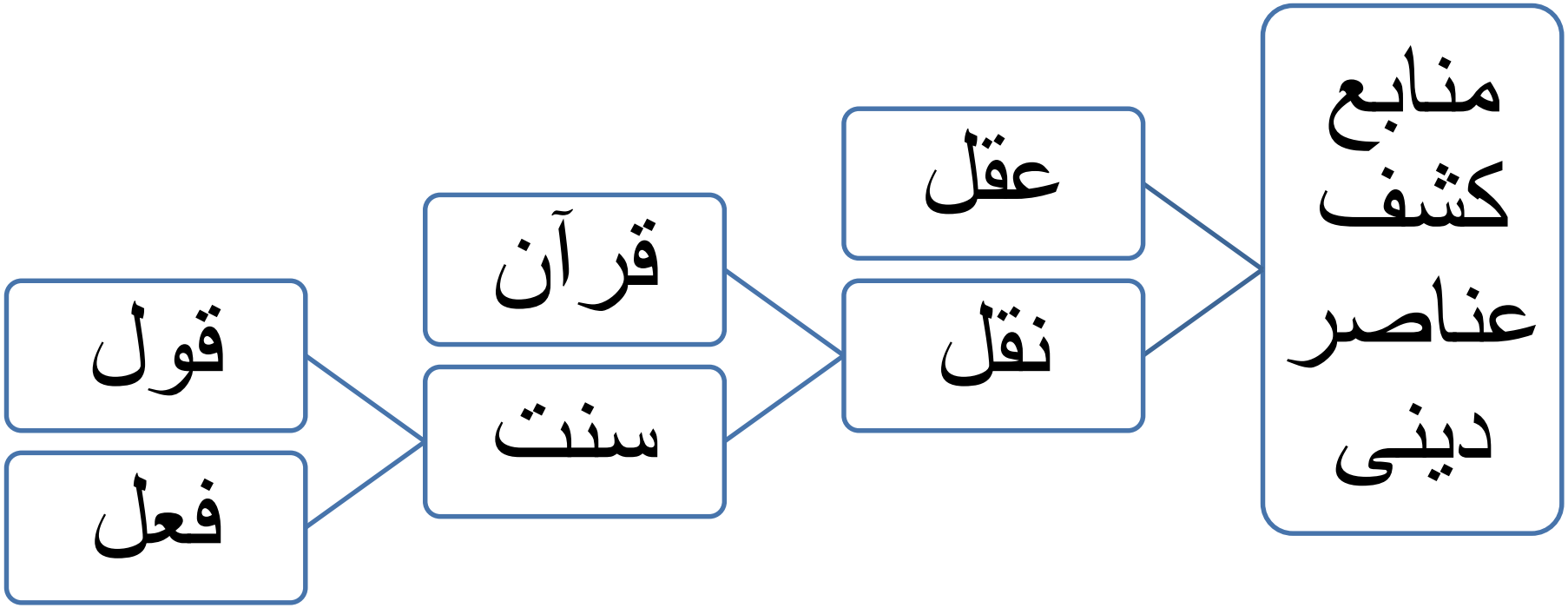

# • روش کشف عناصر دینی

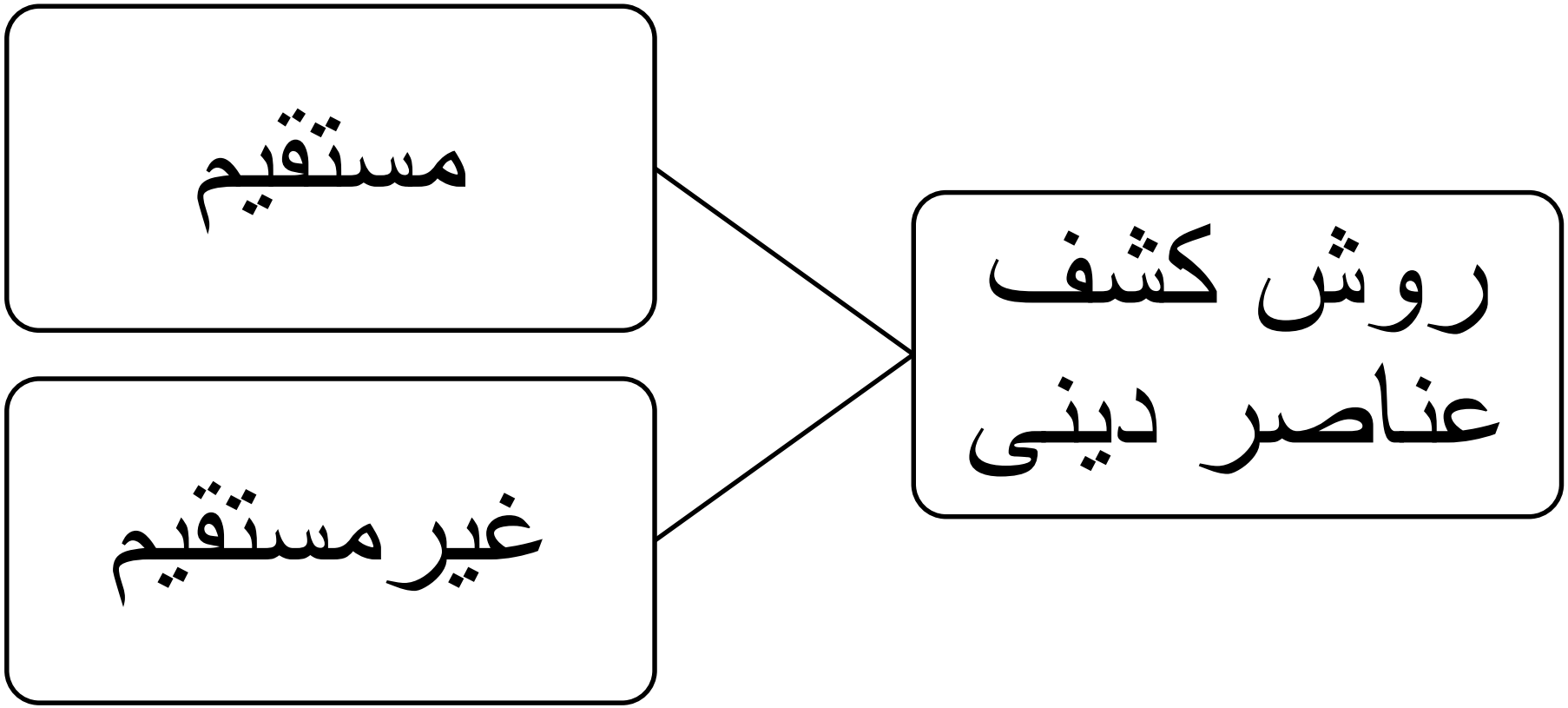

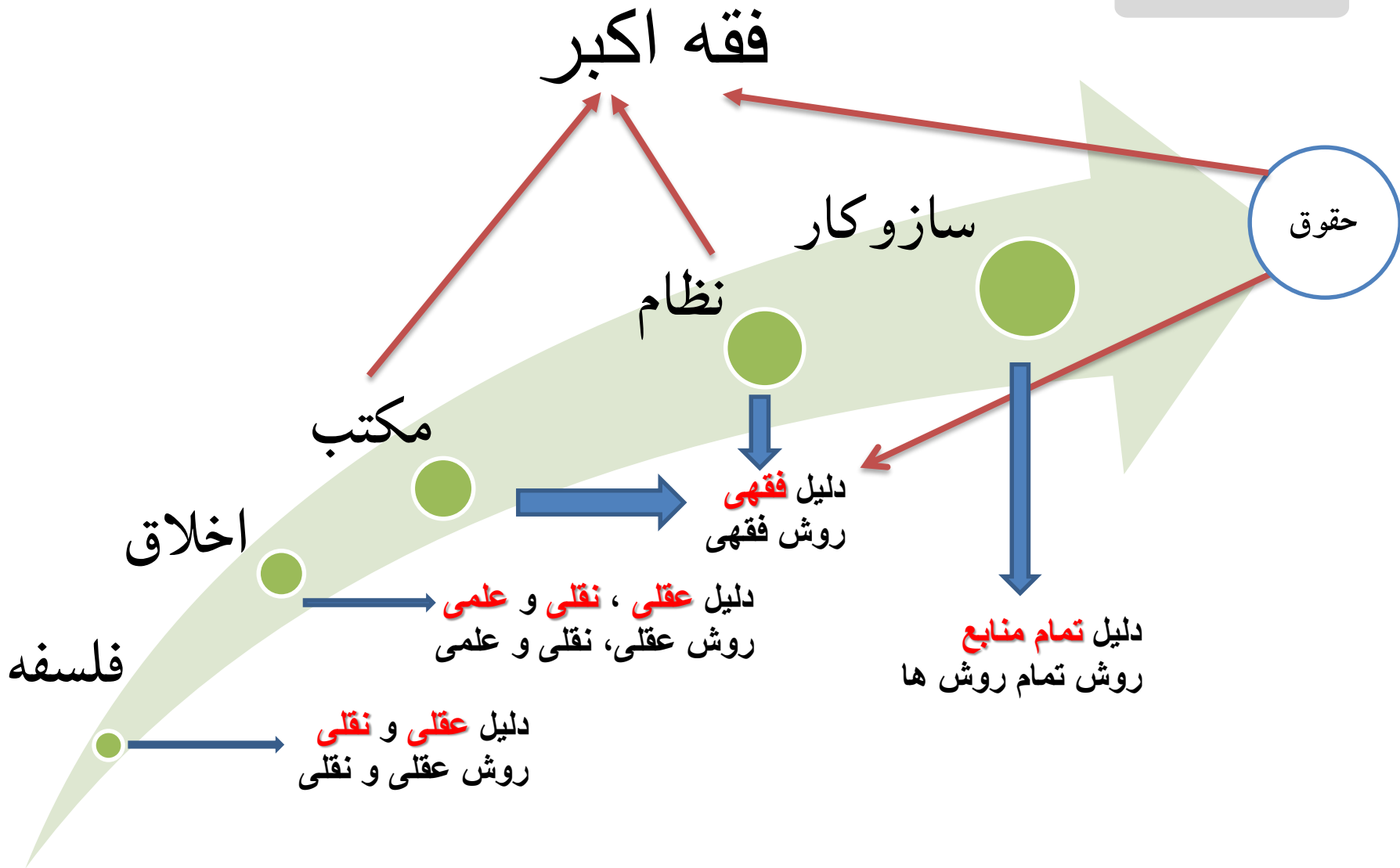


# نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

# • روش کشف عناصر دینی

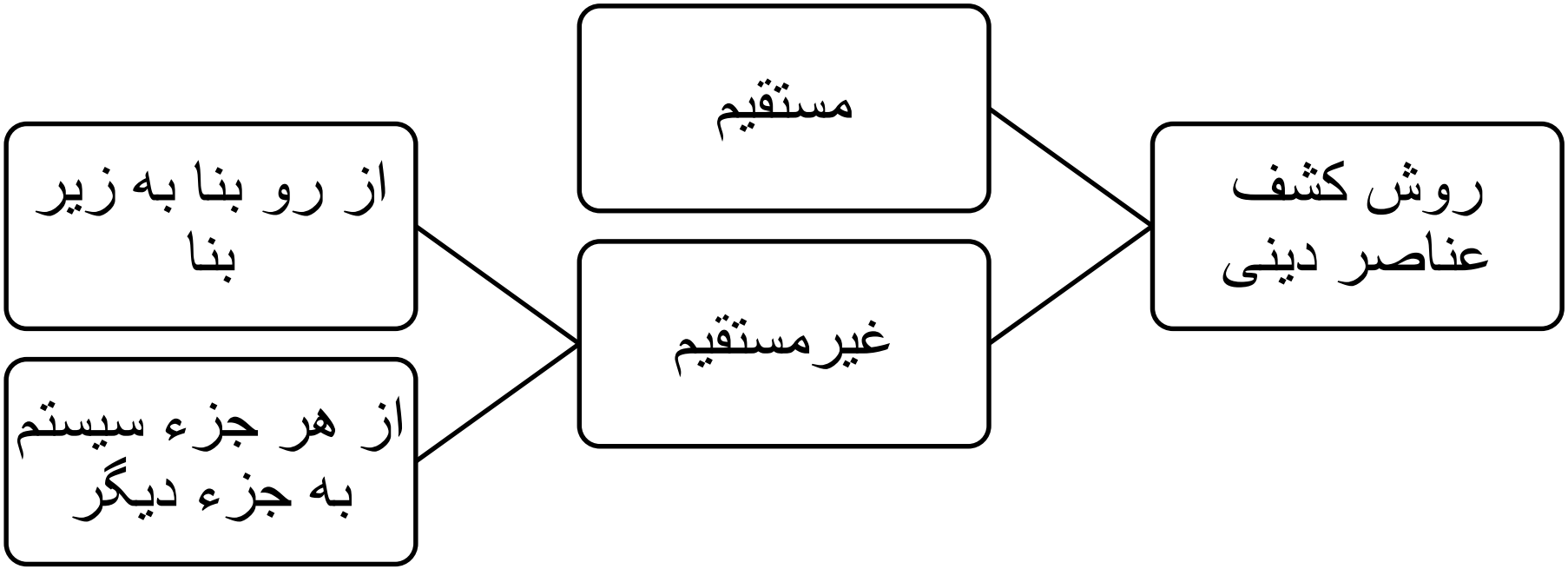

# • روش کشف عناصر دینی

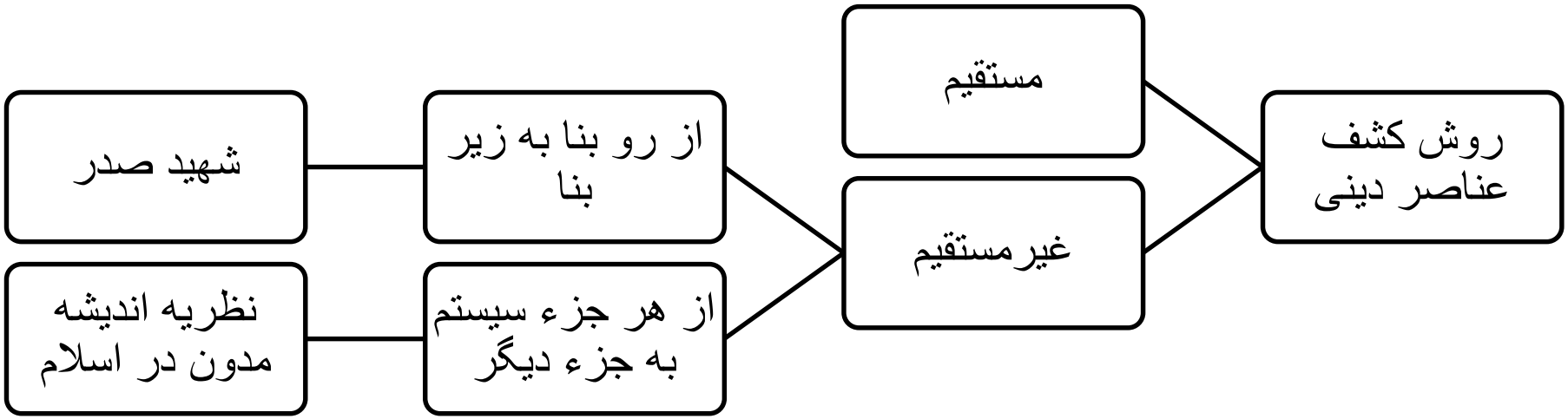

# تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- بعد از اینکه ما در واقع به عناصر دینی دست پیدا کردیم حالا به هر روشی این عناصر به دست آمد، یعنی ما الان فهمیدیم که اسلام فلان حکم را دارد در زمینه احکام یا فلان عنصر در دین وجود دارد.. خب ما باید بیایم عناصر جهان‌شمول را از عناصر موقعیتی جدا کنیم. یعنی ببینیم آیا این عنصری که در اسلام هست مربوط به تمام شرایط و موقعیت‌هاست یا اختصاص به بخشی از شرایط و موقعیت‌ها دارد.

# تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- با توجه به این مقدمات وقتی ما می‌رسیم به این بحث که حالا ما استخراج کردیم عناصر دینی را با این پرسش مواجه می‌شویم که آیا این عناصر، عناصر جهان‌شمول‌اند یا عناصر موقعیتی هستند.

# تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- در این بحث البته باید توجه داشته باشیم اگر یک عنصر عنصر موقعیتی بود معنایش این است که در ورای این عنصر، عناصر جهان‌شمول یا عنصر جهان‌شمولی وجود داشته که در آن شرایط خاص آن عنصر جهان‌شمول یا عناصر جهان‌شمول نتیجه‌شان این عنصر موقعیتی شده.

# تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- بنابراین اینکه حالا بعضی از معاصرین می‌گویند فلان عنصر اختصاص داشته به زمان صدر اسلام. بعد می‌گویند چون اختصاص داشته به زمان صدر اسلام پس می‌گذاریمش کنار. این‌طور نیست.

# تفکیک عناصر جهانشمول از موقعیتی

- اگر حتی یک عنصری اختصاص دارد به زمان صدر اسلام حالا یا به شرایط خاصی که مثلاً در جزیره‌العرب حاکم بوده یا به شرایطی که مثلاً ائمه علیه‌السلام در آن زندگی می‌کردند، ما باید به این پرسش بعدی هم پاسخ بدهیم که چرا در آن شرایط چنین عنصری را دین آورده؟ چه عنصر جهان‌شمول یا عناصر جهان‌شمولی بوده است که با توجه به آن عنصر یا عناصر جهان‌شمول دین آمده این عنصر موقعیتی را مطرح کرده؟

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

آیا نسبت به عناصر دینی اصلی دال بر جهانشمولی یا موقعیتی بودن وجود دارد؟

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- دلائل جهان‌شمولی عناصر دین
- ببینید این بحث‌ها به این شکلی که ما می‌گوییم در آثار فقهی یا اصولی مطرح نبوده ولیکن برخی از این‌ها به صورت مفاهیم مرتکز در نزد فقها وجود داشته.

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

مرتکز در ذهن فقها

اصل در عناصر دینی جهان‌شمولی است.

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- یکی از مباحثی که به صورت مرتکز در ذهن فقها وجود داشته این است که اگر ما به یک عنصری در دین برخورد کردیم، این عنصر اصل این است که جهان‌شمول باشد.

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- حالا این اصطلاح را ما به کار می‌بریم. یعنی این عنصر اصل این است که اختصاص به زمان خاصی، مکان خاصی، شرایط خاصی، مردم خاصی نداشته باشد.

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- خب این اصل به این شکل که می‌بینید روند فقهی ما بر همین اساس استوار است ولی ما در فقه مراجعه می‌کنیم به قرآن یا به روایات. هر چیزی که احکام به دست می‌آریم... که البته فقه متعارف ما محدود به استنباط احکام است.

# اصالت جهان‌شمولی عناصر دین

- هرچه از احکام به دست می‌آورم دیگر فقیه عادتاً دغدغه ندارد که خب این حکمی که به دست آوردم برای صدر اسلام بوده، برای زمان مثلاً علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بوده، برای زمان امام صادق بوده یا نه برای زمان ما هم هست. اصلاً چنین سؤالی عادتاً مطرح نمی‌شود. فرض این است که اگر این حکم در آن زمان بوده الان هم هست. اگر در آن شرایط بوده الان هم هست.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

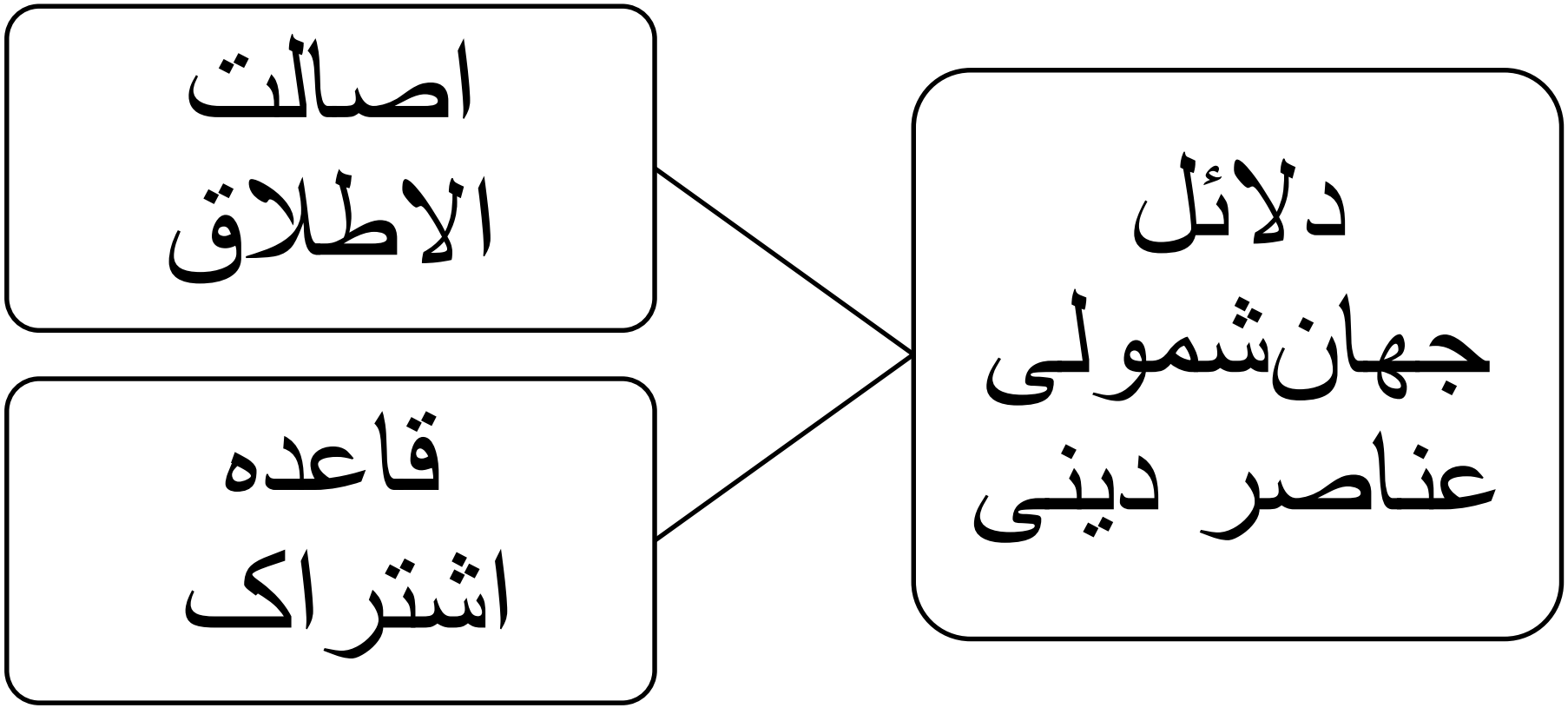

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- **دلیل فقهای ما** بر این مسئله یک بحثی بوده که در علم اصول مطرح کردند و آن مطالبی که در علم اصول مطرح کردند دو چیز است: یک بحث **اصالت الاطلاق**. گفتند اطلاق ادله اقتضا می‌کند که این‌ها اختصاص به زمان خاصی مکان خاصی شرایط خاصی نداشته باشند. دوم بحث **قاعده اشتراک** که خب این هم در ادبیات فقهی متعارف ما شناخته شده است که ما یک قاعده‌ای داریم که گذشتگان با امروز با هم مشترکند در احکام و تفاوتی در احکام ندارند.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب این بحث اصالت اطلاق که در مباحث اصولی مطرح می‌شود و در فقه هم به کار می‌رود همان‌طور که مستحضرید فقط در محدوده ادله لفظی قابل تمسک است. در حوزه ادله‌ای که لفظ در آن‌ها نیست اصلاً ما جایی برای بحث اصالت الاطلاق نداریم. یعنی در مباحثی مثل عقل و یا موارد اجماع که حالا در مباحث فقهی مطرح است، در این‌ها اطلاق معنا ندارد. اطلاق اختصاص دارد به مباحث الفاظ.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- بارها من در جلسات مختلف، درس‌های مختلف گفتم در اصول متعارف بحث اطلاق جایگاهش در مقایسه با کل بحث‌هایی که در علم اصول در مباحث مربوط به امارات مطرح می‌شود، یک جایگاه بسیار بسیار محوری است که اگر اطلاق را ما از مجتهد بگیریم عملاً اجتهاد نمی‌تواند بکند.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- یعنی در واقع بحث اطلاق گلوگاه بحث اجتهاد یا به تعبیر دیگری که ما گاهی به کار می‌بریم اطلاق برای مباحث اجتهادی مثل خون می‌ماند برای بدن. اگر اطلاق نباشه اصلاً مجتهد نمی‌تواند عملاً اجتهاد چندانی بکند.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- چون اساس بحث اطلاق این است که ما می‌خواهیم در حوزه استنباط احکام از نگفته‌های شارع استفاده بکنیم. اطلاق بهره‌گیری از نگفته‌های شارع است. آن جاهایی که شارع بیان نکرده.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- البته اگر نگفتن محض باشد یعنی یک سکوت مطلق که هیچ دلالتی ندارد مگر به قول آن روایات سکوت البکر دلیل الرضا. فقط آنجا آن هم تازه در یک ظرف خاص مورد نظر دلالت دارد و الا سکوت مطلق که معنایی ندارد.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- اینکه ما می‌گوییم از نگفته‌های شارع، مقصود از نگفته‌های شارع در کنار گفته‌های شارع است. یعنی شارع یک چیزهایی را بیان کرده یک چیزهایی را بیان نکرده. ما از آنچه که بیان نکرده در ظرف آنچه که بیان کرده می‌خواهیم استفاده کنیم در حوزه اطلاق.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- اگر ما کل گفته‌های شارع را در نظر بگیریم، امور محدودی است دیگر. مثلاً کل میراث قرآنی ما شش هزار و ششصد و خورده‌ای آیه است. کل میراث روایی ما حالا روایات کتب اربعه یک چیزی حدود هفده هجده هزار و تمام روایاتی که مرحوم مجلسی مثلاً در بحار جمع کرده چیزی حدود یکصد هزار حدیث است.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- همه این‌ها را بریزیم توی ظرف حالا با قطع نظر از اعتبار سندی و عدم اعتبار سندی خیلی محدود می‌شود. این نیست که نسبت به هر چیزی بیانی در آن‌ها پیدا بشود.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ما می‌خواهیم از این چیز نامحدود برای یک واقعیت نامحدود استفاده کنیم. چون واقعیت‌های بیرونی که محدود نیستند. همین‌جور دائم حوادث تازه، مسائل تازه اتفاق می‌افتد. اینجاست که ما در واقع می‌آییم از نگفته‌های شارع که شارع یک چیزهایی را نگفته استفاده می‌کنیم که پس مقصودش فلان بوده. پس شارع چنین چیزی را اراده کرده. در واقع مرادات شارع را از نگفتنش می‌خواهیم استفاده کنیم.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب شما می‌دانید که برای اینکه این اتفاق بیفتد یک مقدماتی اصطلاحاً می‌گویند باید وجود داشته باشد که اسم آن مقدمات نامیده شده به **مقدمات حکمت**.
- برای اینکه ما بتوانیم به اطلاق تمسک بکنیم باید مقدمات حکمت وجود داشته باشد.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

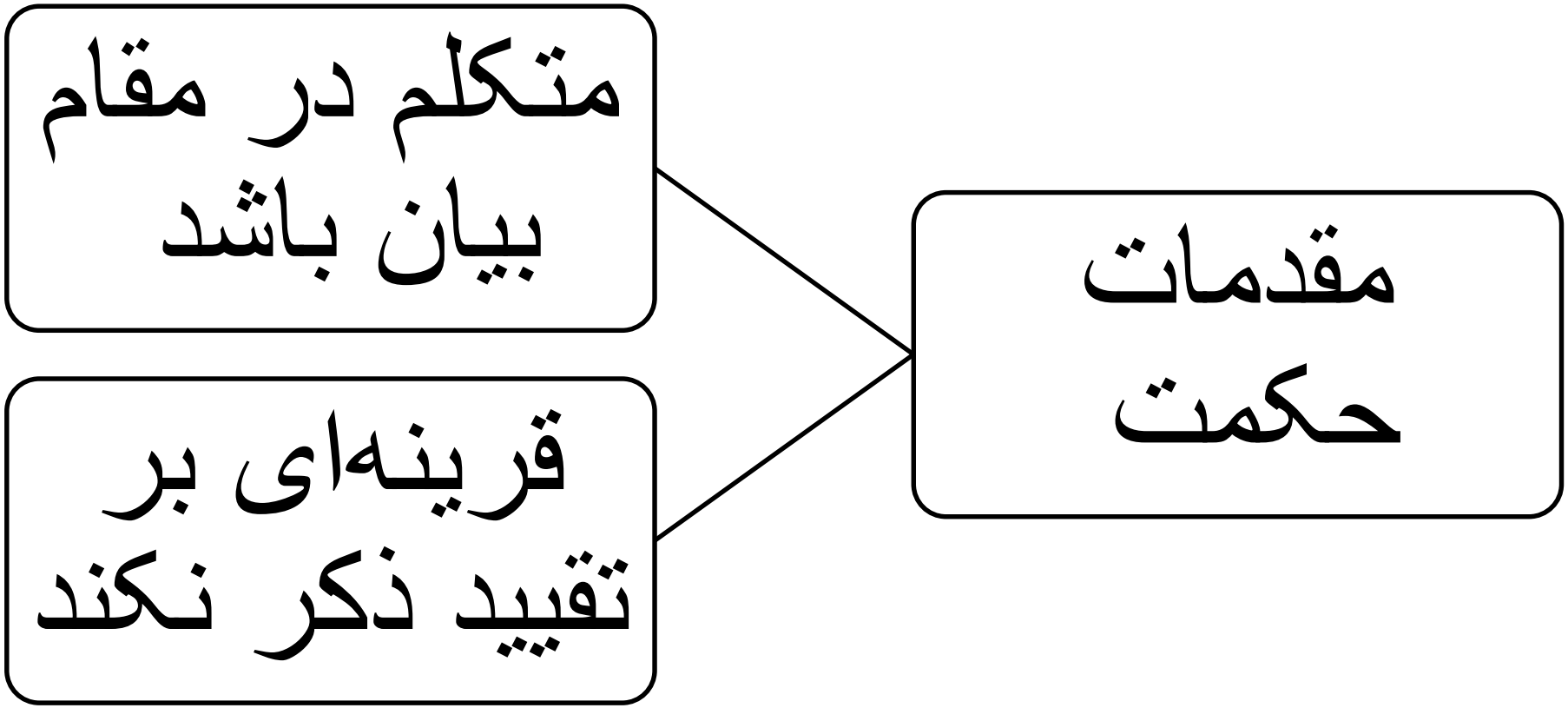

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- مقدمات حکمت دو تا عنصر مهم دارد: یکی اینکه متکلم در مقام بیان باشد یعنی بخواهد از همه جهت مطلب خودش را بیان بکند. دوم اینکه قرینه‌ای بر تقیید ذکر نکند. قرینه‌ای بر تقیید وجود نداشته باشد.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- حالا تعبیر دقیق‌تر اصولی‌ها این دو مطلب را معمولاً این‌جوری درست می‌کنند. می‌گویند **اصل این است که متکلم در مقام بیان باشد.** خب این در مقام بیان بودنش درست شد. بعد می‌گویند **اصل این است که قرینه‌ای نباشد.** این هم انتفاء قرینه‌اش درست شد. پس اطلاق می‌گیریم. یعنی با اجرای دو تا اصل ما می‌رسیم به اطلاق. اصل این است که متکلم در مقام بیان از همه جهت است. دوم اصل این است که قرینه‌ای نیست. اصالت عدم قرینه.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب این بحث که به این شکل در اصول از گذشته مطرح بوده و اصولی‌ها به این تمسک می‌کردند. اصولیین متأخر در این بحث دقت کردند که واقعاً این اصول به چه معناست؟ مستند این اصول چیست؟ اصل این است که متکلم در مقام بیان باشد از کجا پیدا شده؟ اصل این است که قرینه نباشه این‌ها از کجا پیدا شده؟

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- در تحلیل این مسئله توسط اصولی‌های متأخر این‌طور گفته شده که اینکه می‌گوییم اصل این است که متکلم در مقام بیان باشد، نکته‌اش این است که **شیوه بیان شارع همان شیوه بیان عقلاست.** بنابراین قواعد حاکم بر گفتگوهای عقلایی بر سخنان شارع هم حاکم است. در آن حوزه هم قابل استفاده است.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- در گفتگوهای عقلایی وقتی یک آدمی صحبت می‌کند، یک مطلبی دارد بیان می‌کند ظهور حال آن گوینده این است که مطلب خودش را می‌خواهد کامل بیان کند. نمی‌خواهد بعضی از ابعادش را بگوید بعضی را بیان نکند. مگر اینکه یک نکته‌ای وجود داشته باشد. قرینه‌ای وجود داشته باشد که اینجا متکلم از یک جهت خاصی می‌خواهد مطلب خودش را بیان کند نه از همه جهت.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- اگر چنین قرینه‌ای نباشد ظهور حال متکلم عادی، ظهور حال متکلم عقلایی این است که او می‌خواهد همه مطالبش را به شکل کامل بیان کند. از آنجایی که شارع در شیوه سخن از شیوه سخن عقلایی پیروی کرده بنابراین شارع هم وقتی سخن گفته ظهور حال شارع این است که می‌خواسته همه مطلبش را بیان کند.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب این احراز عنصر اول که متکلم در مقام بیان است. بله اگر یک جایی شاهدی وجود داشت بر اینکه از یک حیثیت خاصی متکلم دارد مطلب را بیان می‌کند دیگر این ظهور حال مثل هر ظهور دیگری که قرینه برخلافش باشد از بین می‌رود.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- مثلاً در قرآن که فرموده: «طَعامُهُم حِلٌّ لَکُم». طعام اهل کتاب حلال است برای شما. خبَ آنجا یک بحثی مطرح شده که طعامهم حلّ لکم. طعام این‌ها حلال است برای شما، این آیا هر گونه طعامی را از سوی اهل کتاب در بر می‌گیرد؟ پس شامل ذبایح اهل کتاب هم می‌شود؟ این بحث در فقه مطرحه که آیا ذبایح اهل کتاب، حیواناتی که توسط اهل کتاب ذبح بشوند آن‌ها هم حلالند یا نه؟

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- بعضی از فقهای بزرگ مثل مرحوم صدوق ذبایح اهل کتاب را پاک می‌دانستند ولی بسیاری از فقها این را قبول ندارند. بعضی از فقها که این فتوا را دادند مستندشان این بوده که آیه مطلق است. خدا فرموده طعام آن‌ها حلال است برای شما. این طعام شامل هر طعامی می‌شود از جمله ذبایح آن‌ها.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ولی برخی روایات وجود دارد که مثلاً می‌گوید مقصود از طعامی که اینجا مطرح است یعنی طعام غیرگوشتی. مواد گیاهی که آن‌ها استفاده می‌کنند مثل حبوبات و غیره.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- برخی گفته‌اند که آیه حلیتی را که بیان می‌کند حلیت حیثی است. اینکه می‌گوید طعام اهل کتاب حلال است برای شما، این از آن حیث که اهل کتاب‌اند طعام آن‌ها برای شما منعی ندارد ولی ممکن است از این حیث که مثلاً نجس است جایز نباشه بخورید یا از این حیث که غصبی است جایز نباشد بخورید.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- شهید صدر می‌گویند اصلاً ادله حلیت همه‌اش حیثی است. وقتی می‌گویند پنیر حلال است یعنی پنیر از آن جهت که پنیر است حلال است. نمی‌خواهد بگوید که اگر این پنیر را دزدیده هم باشی حلال است باز بخوری. اگر این پنیر نجس شده باشد باز هم حلال است بخوری. این مقصود نیست. بگوییم دلیل گفته پنیر حلال است پس همه این اجسام پنیر از جمله پنیر دزدی و پنیر نجس را هم می‌گیرد؟

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- ایشان می‌گوید نه. اصلاً ادله حلیت حیثی است. وقتی می‌گوید حلال است از یک جهت خاص است. خب معنای این حرف چیست؟ معنایش این است که در حوزه بیان حلیت فقط از یک حیث خاصی دارد بیان می‌کند. یعنی در آنجا ما نمی‌توانیم بگوییم شارع از همه جهت در مقام بیان است. فقط دارد از یک جهت خاص بیان می‌کند.

# دلائل جهان‌شمولی عناصر دینی

- خب این یک بحث که حالا متکلم در مقام بیان است. ما این‌طوری به دست می‌آوریم که می‌گوییم ظهور حال متکلم عادی این است که در مقام بیان از همه جهات است. شارع به شیوه متکلمان عادی صحبت می‌کند. بنابراین ظهور حال او هم این است که از همه جهت در مقام بیان است. مگر خلافش آشکار شود که عرض کردم برخی موارد مثل بحث حلیت اصلاً برخی قاعده درست کردند. شهید صدر که اصلاً در این بخش وارد نمی‌شود که شما اطلاق بگیرید به این معنا که بگویید دلیل که می‌گوید پنیر حلال است پس همه حالات مختلفی که برای پنیر پیدا می‌شود را می‌گوید حلال است حتی اگر دزدی باشد نجس باشد. این است.